

مبانی فقهی گردشگری و آسیب های آن

به گزارش خبرنگار وسائل ، گردشگری یک موضوع کلان بشری و دارای لایه های فرهنگی، معنوی، اجتماعی، ارتباطی، عرفانی و علمی است. برای پی بردن به عمق نگاه اسلام نسبت به گردشگری باید رابطه آن را با سه نوع فقه وجود، نفس و سلوک، مورد بررسی و شناخت قرار داد.

فقه گردشگری / یا فقه سفر

یک رویکرد در تعریف فقه گردشگری آن است که فقه گردشگری یا خود گردشگری را فربه شده همان احکام السفر می دانند که در فقه گذشته ما مطرح بوده است. این رویکرد گردشگری را توسعه مفهوم سفر در دوران مدرن تعریف می کند. اگر تعریف ما از گردشگری این باشد ما یک نوع تعامل با احکام این مقوله یا این موضوع می توانیم داشته باشیم.

فقه گردشگری مقوله ای نوپیدا

رویکرد دیگر این است که ما مقوله و موضوع گردشگری را همانند مقولاتی دیگر مثل شبیه سازی انسانی، اهداء عضو، بانک و بانکداری محصول دوران مدرنیته بدانیم که از آن در ادبیات غرب تعبیر به صنعت توریسم می شود. اگر این تعریف را پذیرفتیم تعامل ما با ساحت و ساختار فقه گردشگری متفاوت خواهد شد.

آن چیزی که الان در حوزه بحث های فقهی مربوط به گردشگری، با توجه به رویکردهای سنتی مرسوم و مصطلح است، همان تعریف اول است. یعنی به نظر فقیهان سنتی ما؛ گردشگری همان توسعه و تکثیر مسائل سفر در دوران جدید است و اتفاق خاصی رخ نداده است چرا که در ابواب فقهی ما از گذشته بحث سفر مطرح بوده است. در این نگاه توریست صنعت نیست یا اگر هم هست باید ذیل مقوله فقه السفر قرار گیرد و خود را با مبانی آن هماهنگ کند.

بعضی ها گردشگری را یک صنعت می دانند که ره آورد جهان جدید است و با آن چه در دوران گذشته از آن تعبیر به «سفر» می شد تفاوت ماهوی دارد. حالا باید به این سوال پاسخ دهیم که آیا می توان فقه گردشگری را به عنوان بابتی مستقل مطرح کرد و یا اینکه زیرمجموعه فقه دیگری قرار می گیرد؟

هر کدام از دو طریق یا دو رویکردی گفته شد می تواند پاسخ را متفاوت بکند. اگر از سنتی های ما سؤال بکنید پاسخ آنها باید این باشد که ما نیاز به فقه مضاف جدیدی نداریم. در بحث های فقه سنتی احکام سفر را داریم اما این احکام سفر را یک مقداری توسعه اش می دهیم و مسائل مستحدثه و نوپیدایی که در حوزه احکام سفر هست را پاسخ می دهیم و ذیل همان بحث هایی که بوده قرار می دهیم.

اما در نگاه دوم این گونه نیست اگر هم به فقه مضافی جدید نیاز نباشد ولی حتماً نیازمند باب جدید یا کتاب جدیدی با نام «فقه گردشگری» هستیم که مقداری نیازمند به توسعه سرفصل های فقه حکومت پیدا خواهیم کرد. اگر ما فقه حکومت را یک توسعه متناسب با خودش بدهیم به گمانم یکی از سرفصل ها یا یکی از ابواب یا یکی از کتاب های فقه حکومت، فقه گردشگری خواهد شد. فقه گردشگری و آسیب های آن را از دیدگاه اساتید فن مورد بررسی قرار دایم که به شکل ذیل تقدیم می گردد:

آیت الله مبلغی می گوید: فقه در اسلام اساساً دارا یمنانی فقهی قرآنی گردشگری و آسیب های آن سه شاخه «فقه وجود»، «فقه نفس» و «فقه سلوک» است، ولی اکنون تنها فقه سلوک که فقه رفتارها و هنجارها است، مطرح و فعال می باشد.

فقه وجود و فقه نفس به رغم آن که پشتیبانی کننده، معنابخش و روح دهنده به فقه سلوک هستند، غیر فعال بلکه اساساً غائب هستند. هنگامی وضعیت آرمانی و مطلوب برای انسان از دیدگاه اسلام فراهم می آید که این سه نوع فقه، باهم و کنار هم فعال گردند.

فقه وجود، فقهی است آمیخته و برآمده از سه بخش کلام و عرفان و تلاش ایمانی که با تحقق آن ها در یک روندی هم افزا، انسان واجد درک، وعی، آگاهی و معرفت وجودی به خداوند و صفات ذات باری تعالی می گردد و از این رهگذر وجود او ارتقا و سعه پیدا می نماید. فقه نفس نیز بر تهذیب نفس، تزکیه درون و تربیت حالات قلبی و با هدف نیل به خوف، رجاء و رقت قلب و پیدا کردن رویکرد به معاد در زندگی تمرکز می کند. فقه سلوک فقه رفتارها و هنجارها، فقه تنظیم ظواهر و صورت ها، فقه فرهنگ، حقوق و اخلاق و آداب و مناسک است. روشن است که رابطه گردشگری با هر کدام از این سه نوع فقه را باید به صورت کامل، مستوفی و عمیق در فرصت های بزرگتر و آکادمیک تر در حوزه و دانشگاه مورد بحث و بررسی قرار داد.

رابطه گردشگری با فقه وجود

گردشگری، زمینه ساز تجلی خداوند بر انسان است، تجلی از مهمترین و سازنده ترین اصول قرآنی و روایی است که دارای نقش ها و کارکردهای عمیق تربیتی، اعتقادی، ایمانی و اجتماعی بر روی انسان و جامعه است و باید اقرار کرد که تا حدود بسیار، به این اصل و کارکردهای آن توجه جدی علمی و عملی صورت نگرفته است.

تجلی به معنای انکشاف خداوند و یا صفات خداوند در یک محل خاص بر یک فرد یا یک مجموعه که استعداد ویژه در آن فرد یا مجموعه برای این تجلی فراهم آمده است، می باشد. به عبارت دیگر خداوند در انسان آمادگی و استعدادی را ایجاد می کند که بر پایه آن می تواند در موقعیتی قرار گیرد که خداوند بر او منکشف شود و این انکشاف تجلی است.

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می فرمایند: «فتجلی لهم سبحانه فی کتابه من غیر أن یكونوا رأوه». در تجلی، خداوند، صفات خداوند، مسبب الاسباب بودن خداوند، اراده خداوند، لطف خداوند، قهار بودن خداوند، عفو خداوند و... برای یک فرد یا یک گروه ظهور و انکشاف پیدا می کند که این انکشاف غیر از تعریف ذهنی و ماهوی از خداوند است که امری غلط و انحرافی است و خداوند ماهیت ندارد.

بر این اساس، یکی از ویژگی‌های تجلی آن است که از آسیب‌های «فعالیت ذهنیتی محدودیت ساز نسبت به خداوند» کاملاً به دور است و جدای از تصور پذیری و ماهیت پردازی نسبت به خداوند است چرا که تصور پذیری و ماهیت پردازی، مخلوق ذهن انسان است و حد و حدود برای خداوند درست می‌کند که نادرست می‌باشد.

در نهج البلاغه دارد که «لم تحط به الأوهام، بل تجلی لها بها». در ادبیات دینی بین دو «مقوله اوهام بافی» نسبت به خداوند و «تجلی خداوند» تقابل ایجاد شده است و این دو از هم تفکیک شده اند.

رابطه گردشگری و تجلی

این سؤال مطرح است که آیا گردشگری می‌تواند به صورت ویژه فرصت‌هایی را برای امر بسیار مهم تجلی فراهم بیاورد و آیا قرآن در این زمینه سخنی گفته است؟ اگر ثابت شود که گردشگری چنان‌گاه فرصت‌های انسانی برای روبرو شدن با تجلی خداوند است می‌توان لباس قداست بر تن گردشگری حلال پوشاند.

در گردشگری، تجلی در سه بخش رخ می‌دهد، و آن: «تجلی خدای واسع در وسعت زمین» و «تجلی خدای صانع در جهان پهنانور» و «تجلی خداوند در خلق» است.

یکی از صفات خداوند صفت واسع بودن است، در قرآن کریم چندین بار به این صفت پرداخته شده است آیات «إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ»، «إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»، «وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا» و «فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ»؛ گاه واسع، در کنار علیم ذکر شده است در این صورت آنچه تداعی می‌شود علم واسع خداوند است. گاه واسع در کنار حکیم ذکر شده است و در این صورت، آنچه تداعی می‌شود حکمت واسعة خداوند است و گاه، صفت برای مغفرت قرار گرفته است و در روایت این صفت به رحمت خدا نسبت داده شده است «یامن سبقت رحمته غضبه»، بنابراین علم واسع، حکمت واسع، مغفرت واسع و رحمت واسع آمده به خدا نسبت داده شده است.

پرسش این است که همان طور که بسیاری از صفات خداوند بر انسان‌ها تجلی می‌یابند، صفت واسع نیز تجلی پیدا می‌کند و اگر تجلی پیدا می‌کند محل این تجلی کجاست؟ پیشاپیش باید گفت تجلی «خداوند واسع» بر انسان کارکردهای عمیقی را در نگاه انسان به خداوند ایجاد می‌کند اگر این تجلی رخ بدهد انسان از ضیق و تنگناگرایی خارج می‌شود، اگر این صفت انکشاف پیدا کند انسان خدا را خدای همه جا، خدای همه لحظه‌ها، خدای همه مکان‌ها و خدای همه زمانها می‌بیند.

اگر صفت واسع بودن خداوند تجلی پیدا کند حکمت، مغفرت و رحمت در همه جا و پیرامون همه مسائل مشاهده می‌شود در این صورت است که یاس که بزرگترین گناه است از بین می‌رود.

تجلی در وسعت زمین و ارتباط آن با گردشگری؛ اندیشه قرآنی می‌گوید: زمین خداوند است واسع است، «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهِ»، یا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ»، «قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ». قرار گرفتن در این وسعت روبروشدن با این وسعت، حس کردن این وسعت که از راه گردشگری قابل انجام است، محل تجلی خدای واسع است.

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید “بها تجلی صانعها للعقول”، تا گردشگری صورت نگیرد رابطه بین انسان با جهان به صورت ملموس فراهم نمی‌آید و این ارتباط تجلی صانع در طبیعت و جهان را فراهم می‌آورد. در روایت داریم که حمد خدائی راست که برای خلق با خلق تجلی می‌یابد، گردشگری می‌تواند بیشترین فرصت را برای بزرگترین مصداق خلق که محل تجلی خداوند است فراهم آورد.

گردشگری ریشه در مبانی فقهی و قرآنی دارد

حجت‌الاسلام بخت‌آور در زمینه مبانی فقهی و قرآنی فقهی قرآنی گردشگری و آسیب‌های آن گردشگری می‌گوید: از نظر فقه و قرآن سیر در روی زمین و استفاده از تجربیات مثبت و منفی اقوام گذشته مورد تأکید قرار گرفته است، انسان عاقل با سه هدف اخذ توشه برای آخرت، گذران زندگی، کسب روزی حلال و کسب لذت غیر محرم در روی زمین، سیر و حرکت می‌کند.

در سیره اهل بیت عصمت و طهارت(ع)، گردش و تفریح نیز بخشی از زندگی انسان شناخته می‌شود، با توجه به احادیث و روایات معتبر وارده، مش بسیاری از انبیای الهی نیز حرکت روی زمین و هجرت بوده است.

حضرت عیسی مسیح(ع) در روی زمین حرکت می‌کرد و هر جا که شب می‌شد تا صبح مشغول نماز می‌شد، حضرت ابراهیم نیز سفرهای متعددی به کشورهای زیادی داشته و کعبه نیز براساس هجرت حضرت ابراهیم تاسیس شد.

سیر و سفر در تمامی سنن گذشتگان ریشه دارد، گردشگری اسلامی موضوعی نو پدید بوده و در سده‌های اخیر زمینه برای توریسم داخلی و بین‌المللی بیشتر فراهم شده است.

آیت الله اعرافی درباره ایجاد مدل‌های اجرایی گردشگری فقهی قرآنی گردشگری و آسیب‌های آن براساس ذخایر فقهی می‌گوید: مجموعه ذخایر فقهی باید به کمک متخصصان گردشگری به مدل‌های اجرایی گردشگری نو تبدیل شود. جایگاه گردشگری در فقه موجود را باید مشخص کرد. در ۵۰ باب فقهی، کمتر بابی را می‌توان یافت که به شکلی در گوشه‌ای از آن به مقوله سفر نرسیم. احکام پنجگانه‌ای در باب سفر تبیین شده است؛ سفر دارای حکم پایه اباحه است که می‌تواند از این حکم به سمت چهار حکم دیگر حرکت کند. گاهی سفر از منطلق به سوی واجب بودن حکم می‌گیرد که از آن می‌توان به سفر برای جهاد، دفاع، نفقه واجب، معالجه و درمان لازم، تحصیل واجب یا هر تکلیف لازم اشاره کرد. گاهی سفرهای حرام نیز وجود دارد که از اباحه به حرام می‌رود که از جمله آن فرار از دفاع، فحشا و ظلم و آزار به والدین و دیگران می‌باشد.

نشاط اجتماعی مقوله‌ای پذیرفته شده در اسلام

برخی گمان می‌کنند اسلام نقطه مقابل نشاط است ولی با صراحت می‌گوییم حوزه و نهاد علم و دین اسلامی، مبلغ و مروج نشاط است؛ اما نشاط اجتماعی در قالب چارچوب‌های انسانی و ارزشهای متعالی. سفر آن گاه که مولد یک نشاط برای برون رفت از پژمردگی‌ها و افسردگی‌ها شود، از اباحه به استحباب و گاهی وجوب می‌آید.

هیچ عامل مذهبی نباید مانع از گردشگری شود

گردشگری امروز با مفهوم جدیدی که پیدا کرده و در برخی کشورها به اولین منبع درآمد مبدل شده است، رویکرد متفاوت و جدیدی را می‌طلبد. شایسته کشورمان نیست که با وجود اینکه جزو ده کشور برتر به لحاظ داشتن منابع و آثار گردشگری هستیم، اما در مقام عمل گردشگری ما در رتبه نود به بعد قرار گرفته است. هیچ عامل مذهبی نباید مانع از گردشگری شود بلکه حوزه‌های علمیه پیشقدم شده و در راستای توسعه گردشگری، تئوری‌های نو ارائه کند.

گردشگری اگر بر مبنای حلال و منطبق اسلامی خود تعریف شود، می‌تواند گشایش‌های جدیدی برای ما داشته باشد. جهان پهناور اسلامی می‌تواند به مهد جذب توریست از سراسر عالم و تزریق اندیشه ناب اسلامی با استفاده از این بستر، مبدل شود.

بازار گردشگری اسلامی در کشورهای اسلامی

جهان اسلام باید در همه ابعاد، زنجیره شده و در کنار هم بازار گردشگری و اقتصادی و جذاب و پرمشتری منطبق با موازین اسلامی را ایجاد کند. ایران می‌تواند قطب مهمی در گردشگری جهان اسلام و کل جهان باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین رحیم قربانی، معاون پژوهش‌مبانی فقهی قرآنی گردشگری و آسیب‌های آن جامعه المصطفی(ص) تبریز آسیب‌شناسی صنعت گردشگری را به این شکل بیان می‌کند:

گردشگری ذاتاً آسیب‌زا نبوده و بسیاری از مشکلات موجود در گردشگری، بخاطر فقدان قوانین لازم در این زمینه است، که به صورت اختصار تقدیم می‌گردد:

عدم وجود نهاد نظارت‌کننده، با وجود کثرت نهادهای متولی در زمینه گردشگری؛

عدم برنامه ریزی صحیح سازمانها و نهادهای متولی؛

فقدان نگرش و برنامه تعالی‌بخش، نسبت به برنامه تورهای گردشگری؛

فقدان برند معتبر برای گردشگری کشور؛

فقدان سیستم یکپارچه گردشگری؛

فقدان مدیریت راهبردی؛

عدم همکاری لازم بین نهادهای داخلی و بین‌المللی،

فقدان سامانه‌های تبلیغاتی و ارتباطی بین‌المللی مردم محور؛

فقدان و ضعف مدیریت تخصصی؛

نگرش نادرست به گردشگران؛

ایجاد امکانات خیرخواهانه به جای ایجاد امکانات رفاهی و درآمدزا در مکانهای گردشگری؛

فقدان برنامه جامع و نظام‌مند منطقه ای و کشوری برای گردشگری؛

فقدان زمینه ذهنی مثبت، نسبت به گردشگران؛

فقدان قوانین مربوط به حقوق گردشگران؛

فقدان بازاریابی گردشگری در سطح بین‌الملل؛

آسیب‌های فرهنگی گردشگری ناشی از خلأها و ظرفیت‌های قانونی است که به درستی فعال نشده است. لذا با توجه به ساختارمند نبودن گردشگری و نبود نظارت لازم و کامل بر تورهای گردشگری در کنار حاکم بودن نگاه سنتی به گردشگری، شاهد آسیب‌هایی در این زمینه بوده ایم.

رویکرد گردشگری در کشورهای غربی «تفریحی» است و رویکرد گردشگری در کشورهای اسلامی «زیارت» و «سلامت» است.

آسیبها و ضعف‌های اقتصادی

عدم برندسازی لازم در زمینه غذاها و تولیدات ایرانی؛

فراهم نبودن امکانات و زیرساختهای رفاهی مناسب برای گردشگری؛

منفعل بودن بخش کشاورزی در عرصه گردشگری و لزوم فعال سازی آن.

اما آسیب‌های اندک گردشگری برای حوزه‌های فوق در نسبت به آثار مثبتی که در جامعه اسلامی می‌تواند داشته باشد، قابل قیاس نبوده و می‌توان با تقویت زیرساخت‌ها و تدوین قوانین لازم، بروز چنین آسیب‌هایی را به حداقل رساند.